

## بنه‌شناسی :

### پیشینه پژوهش و نقد آرا در چگونگی پیدایش بنه

دکتر مرتضی فرهادی ❁

#### مقدمه

«بنه»ها سازمانهای پنهان و پوشیده‌ماندهٔ تعاونی تولید سنتی در زمینهٔ تولید کشاورزی ایران‌اند و در گذشته به تعداد بی‌شماری در اعماق جامعهٔ روستایی تا حومهٔ شهرها و حتی در روستاهای حومهٔ پایتخت وجود داشته‌اند.

اطلاعات میدانی جدید که هر ساله به اطلاعات قبلی افزوده می‌شود و از آن جمله مطالعات میدانی نگارنده در سالهای اخیر نشان می‌دهد که حضور بنه‌ها تا ۵۰ سال پیش بسیار گسترده‌تر از آن بوده که تا به حال پنداشته شده است. برای مثال نگارنده در همین سالهای اخیر بنه‌هایی کشف، شده‌ای را در روستاهای آمل، ملایر، خمین، الیگودرز، یزد، حاجی آباد بندرعباس، بافت و رفسنجان و سی سخت یاسوج یافته است.

بنه‌ها، نام کلی‌ای که ما در اینجا به تمام انواع سازمانهای تعاونی سنتی تولید زراعی می‌دهیم، تخمیناً تا نیم قرن قبل حداقل یک میلیون کشاورز ایرانی را بدون هیچ آوازه‌ای در خود جای داده بودند، به طوری که می‌توان گفت بیش از ۵ میلیون از حدود ۱۴ میلیون جمعیت ما در سال ۱۳۲۰<sup>۱</sup>، یعنی از هر سه نفر یک نفر، به طور مستقیم از این تعاونیها

---

#### \* عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

۱. حسن سرائی، «نظری اجمالی به جمعیت جهان، قاره‌ها و ایران»، همین فصلنامه: نگاه کنید: محمد علیزاده، جمعیت ایران در گذشته، حال و آینده. تهران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۲.  
علی اصغر مهاجرانی، ملاحظاتی در بارهٔ افزایش تعداد و رشد جمعیت ایران در یکصد سال اخیر

سود می‌برده‌اند. با این حال این تعاونی‌های سنتی تا سه دهه قبل شدیداً از دید جامعه‌اهل علم و روشنفکران و پژوهشگران ایرانی و حتی سازمانها و وزارتخانه‌های دولتی که در سطح ده فعالیت می‌کردند برکنار مانده بودند، در حالی که حداقل در حدود ۲۰۰۰۰۰ بنه وجود داشته که توانسته بودند به بهترین شکلی به سازماندهی نیروی بیش از یک میلیون کشاورز ایرانی و سایر عوامل تولید پردازند.

جای تأسف است که می‌بینم پیش از اصلاحات ارضی حتی یک مقاله نیز درباره آنها منتشر نشده بود، وگرنه به قول دکتر هوشنگ ساعدلو: «اگر ما دانش ده‌شناسی ده سال پیش، پانزده سال پیش و بیست سال پیشمان حداقل در معنی و مفهوم عام آن به اندازه امروز بود، چه بسیار از کارها را که به نوعی دیگر می‌کردیم و مثلاً هر تصمیمی که در ده و برای ده می‌گرفتیم در جهت جان دادن و جان پناه سپردن بیشتری هم لحاظ حقوقی و هم از نظر اقتصادی و هم از جهت اجتماعی به بنه‌ها بود و اینهمه در سنگلاخ‌های توان فرسای تصمیماتی که نمی‌توانستند و یا در ذاتشان نبود که با تار و پود ده جوشی بخورند و اُخت شوند راه نمی‌رفتیم...»<sup>۱</sup>.

اگر چه پژوهش درباره تعاونی‌های سنتی<sup>۲</sup> در ایران دوران نوجوانی خود را می‌گذرانده با این حال قراین نشان می‌دهد که «بنه‌ها» یکی از کهنترین و کارآمدترین تعاونی‌های سنتی در ایران بوده و در مناطق و شرایط بسیار گوناگون به زندگی خود ادامه داده‌اند. بنه‌ها، برخلاف آنچه اغلب تصور می‌شود، با تمام دگرگونیها و افت و خیزهایشان هنوز «آب در کوزه» و یکی از مسائل زنده و پویای کشاورزی کهنسال ایران‌اند و جا دارد که مورد عنایت بیشتر پژوهشگران علوم اجتماعی ایران و مجریان و برنامه‌ریزان کشاورزی و تعاون ما قرار گیرند.

۱۲۶۵-۱۳۶۵)، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، جلد اول، شماره ۱.

۱. هوشنگ ساعدلو، مسائل کشاورزی ایران، تهران، انتشارات رواق، ۱۳۵۷، ص ۱۰۸.  
 ۲. درباره معنای اصلاحی «تعاونی سنتی» آن‌طور که مورد نظر نگارنده است و تفاوت آن با سایر «یاریگریهای سنتی» همچون «خودیاری» و «همیاری» و «دگریاری» و ... نگاه کنید به: گونه‌شناسی یاریگریها و تعاونی‌های سنتی در ایران، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید شماره ۱، از همین قلم.  
 و «انواع خودیاری و گونه‌آمیزیهای آن، فصلنامه رشد علوم اجتماعی، شماره ۵، از همین قلم.

زایش و افزایش بنه‌های «خودانگیخته» غالباً «مهاجرکار» و «صیفی‌کار»<sup>۱</sup> در چهار دهه گذشته در مناطق گرمسیری و جنوب خط خرما و به ویژه در کنار راههای مواصلاتی این مناطق تأییدی بر این مدعاست. جالب اینکه بدانیم در خوزستان - قبل از انقلاب - بازده این بنه‌های مهاجرکار صیفی‌کار از بازده صیفی‌کاری کشت و صنعت‌ها بیشتر بوده است و کشت و صنعت‌ها بخشی از زمین‌های خود را به این بنه‌ها اجاره می‌داده‌اند.<sup>۲</sup>

امروزه افزون بر ضرورت تکمیل پژوهشهای موجود در باره بنه‌های قبل از اصلاحات ارضی و تغییرات و مرگ و میر آنها پس از آن، پژوهش در باره دلایل گسترش بنه‌های «مهاجرکار» یاد شده در سطور پیش و پیگیری روند کار بنه‌های «برانگیخته» پس از انقلاب اسلامی (ده هزار مشاع تا پایان سال ۱۳۶۶)،<sup>۳</sup> یکی از کارهای اساسی مربوط به مسائل ارضی، کشاورزی و تعاونی ایران است و لازم است از دیدگاههای مختلف مورد پژوهش قرار گیرد، تا با گشودن راز و رمز موفقیت بنه‌های «خودانگیخته» در گذشته و حال و مشکلات تعاونیهای رسمی به طور اعم و بنه‌های «برانگیخته» (مشاعها)<sup>۴</sup> و از آن جمله تمایل به افراز زمین و کار فردی در پاره‌ای از آنها به طور اخص،<sup>۵</sup> راه برای گزینش و تشویق یکی از آزموده‌ترین نظامهای کشاورزی ایران هموار گردد. زیاده بر فواید کاربردی، پژوهش درباره بنه‌ها، به عنوان یک سازمان اقتصادی

۱. «خود انگیخته» در برابر «برانگیخته» و «مهاجرکار» در برابر «بومی‌کار» و «صیفی‌کار» مقابل «شتوی‌کار» و «غله‌کار».

۲. نگاه کنید به: سیروس سلمان‌زاده. «نوآوری در نظام کشاورزی سنتی شمال خوزستان» مجله علمی کشاورزی. ش ۴ (آبانماه ۱۳۵۶) دانشکده کشاورزی دانشگاه جندی شاپور.

۳. نگاه کنید به: «نگرشی بر مسئله زمین و فعالیت‌های هیئت‌های هفت نفره واگذاری زمین»، آینه آمار، تهران: انتشارات ستاد مرکزی، ۱۳۶۷، ص ۹۴.

۴. درباره مشاعها و مسائل و مشکلات آنها نگاه کنید به: هوشنگ بافکر، ابراهیم زاهدی عبتری، جواد نیازی، ناصر یزدانی و غلامرضا حیدری، بررسی مسائل مربوط به واگذاری زمین و تشکیل واحدهای تولیدی مشاع در منطقه جیرفت، تهران، وزارت کشاورزی و عمران روستایی، ۱۳۶۱.

۵. هوشنگ بافکر، جواد نیازی، غلامرضا حیدری، ناصر یزدانی و ابراهیم زاهدی عبتری، بررسی مسائل مربوط به واگذاری زمین و واحدهای تولیدی مشاع در گرگان و گنبد، تهران، وزارت کشاورزی و عمران روستایی، ۱۳۶۳.

۵. گاه همچنین سخنهای منتشر نشده‌ای در باره موفقیت برخی مشاعها به گوش می‌رسد.

اجتماعی نهادی شده، موضوع پژوهش علوم اجتماعی و به ویژه جامعه‌شناسی روستایی، مردم‌شناسی اقتصادی، اقتصاد کشاورزی، بوم‌شناسی و جغرافیای انسانی، تعاون و غیره است و می‌تواند در بالندگی علوم اجتماعی در ایران مؤثر افتد.

اهمیت بنه‌شناسی در شناخت «واره» و برعکس

یافته‌های نگارنده در این نوشته، در ضمن تأیید فرضیات و یافته‌های ما در زمینه واره<sup>۱</sup> و چگونگی پیدایش و تداوم آن تا به امروز است، و این دستاوردها در کل راه را برای مقایسه سازمانهای تعاونی سنتی و سازمانهای تعاونی رسمی و کارآمد کردن آنها باز کرده است. و این البته افزون بر فواید نظری و دانشگاهی آن است.

بنه و واره، هر دو سازمانهایی برخاسته از اعماق تاریخ بشر بوده که از سازمانهای تعاونی کهنتر و چند منظوره باستانی به تدریج جدا شده‌اند و هر دو در ابتدا بر پایه و محور اصلی «خودیاری» و اگر دقیقتر بگوییم «خودیاری مشاع» بنا شده بوده‌اند، اما از آنجا که مالکیت فردی بردام بسیار زودتر از مالکیت فردی بر زمین پدید آمده است، لذا واره به تدریج از صورت یک تعاونی بر محور خودیاری به تعاونی بر محور همیاری تغییر شکل داده است. گر چه این تطور مالکیت بر دام و زمین و در نتیجه جدایی بنه و واره به فاصله بسیاری از هم اتفاق افتاده، اما حتی بعد از چند هزار سال شباهتهای بسیاری بین این دو نوع سازمان تعاونی سنتی وجود دارد که در جایی دیگر به آن خواهیم پرداخت.

همان طور که اشاره شده ساخت اولیه و واحد این دو سازمان تعاونی سنتی و تغییرات و دگرگونیهای جداگانه هر یک نسبت به ساخت نخستین خود و همچنین نسبت

۱. درباره واره نگاه کنید به: بی نام و بی آوازه، با صد نام و آوازه (رساله‌ای در باب تاریخ واره در اقتصاد و فرهنگ ایران)، *نامه علوم اجتماعی*، دوره جدید، شماره ۱ از همین قلم.

«دلایل اقتصادی تداوم واره»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، سال اول، شماره ۱ و ۲، از همین قلم.

«واره نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه»، *فصلنامه رشد علوم اجتماعی*، سال دوم ۷۶، از همین قلم.

«واره در روستاهای کمره»، *نامه فرهنگ ایران*، جلد سوم، بنیاد نیشاپور، از همین قلم.

به یکدیگر در طول تاریخ، ما را در شناخت هر چه بیشتر این دو راهنمایی می‌کند و نسبت به یافته‌های خود مطمئن می‌گرداند.

#### پیشینه پژوهش درباره بנה‌ها

تا حد اطلاع ما، نخستین کسی که از وجود بنه در ایران سخن گفته و آن را تعریف و توصیف کرده، جی. پی. تیت انگلیسی است که بین سالهای ۱۹۰۲-۵ به عنوان نقشه‌بردار کمیسیون حل اختلاف مرزی ایران و افغانستان در سیستان به سر برده است. وی در چند صفحه درباره «پاگاو» (بُنه)های سیستان ایران و افغانستان و انواع آن «پاگوغمی» و «پاگو تحویل»، مالکیت زمین پاگاوها و مال‌الاجاره و نحوه مشارکت اعضای پاگاوها در لایروبی شبکه آبیاری منطقه و غیره سخن گفته، و جالبتر آنکه وی در ۸۳ سال پیش پاگاو را یک سازمان زراعت جمعی تلقی کرده است.<sup>۱</sup>

از ایرانیان نخستین کسی که از بنه به عنوان یک اصطلاح کشاورزی سخن گفته و آن را به زعم خود تعریف کرده، شادروان دکتر تقی بهرامی، صاحب کتاب مشهور فرهنگ روستائی (دایرة المعارف فلاحتی)<sup>۲</sup> است. البته شادروان بهرامی به خلاف تیت بنه را واحد کشاورزی دیده است و نه یک نظام و سازمان تعاونی.

گاو آهن را یک جفت‌گاو می‌کشد و دو جفت‌گاو عموماً واحد رعیتی را تشکیل می‌دهد که آن را یک بُنه چهارگاو می‌نامند، بُنه شش‌گاو هم است، هر گاو به یک پاکار متعلق است و بُنه چهارگاو را چهار پاکار یا رعیت و بُنه شش‌گاو را شش نفر رعیت اداره می‌کند....

در نسق‌بندی دهات اطراف تهران بُنه چهارگاو و شش‌گاو واحد رعیتی است، ولی در شهرستانها بیشتر روی زوج نسق‌بندی می‌شود، یعنی واحد رعیتی دوگاو است.<sup>۳</sup> بیست سال پس از انتشار کتاب ارزیابی کشاورزی بهرامی به تعریف دقیقتری از «بنه»

۱. جی. پی. تیت، سیستان، به کوشش غلامعلی رئیس‌الذکرین، مشهد، اداره کل ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان، ۱۳۶۲، ص ۲۷۳-۲۷۶.

۲. تقی بهرامی، فرهنگ روستائی (دایرة المعارف فلاحتی)، تهران، ۱۳۱۷.

۳. تقی بهرامی، ارزیابی کشاورزی، تهران، ۱۳۲۵، ص ۱۵۰.

در دایرةالمعارف فارسی برمی‌خوریم:

«بنه در اصطلاح کشاورزی مقداری از زمین زراعتی (است) که عمل رعیتی در آن با ۴ یا ۶ یا در بعضی دهات ۸ گاو انجام می‌گیرد. در ایران غالباً چند نفر زارع گاودار در کشت یک بنه با یکدیگر شرکت می‌کنند.»<sup>۱</sup>

اما اولین اثر مهمی که از بنه با نامهای محلی مختلف و از مناطق متفاوت سخن گفته است، کتاب گرانسنگ مالک و زارع در ایران است. اما از آنجا که خانم لمپتون این مسئله را همچون دکتر بهرامی در قالب «جفت» (واحد کشاورزی) دیده است، و با بنه‌ها به صورت فرعی و غیرمستقیم برخورد کرده، مطالب آن در این زمینه اغلب برای پژوهشگران کمتر شناخته شده است و در نتیجه آن کلاً در کتابهای جامعه‌شناسی روستایی و تحقیقات و نوشته‌های بنه‌شناسان ایران انعکاس نیافته است.

خانم لمپتون به طور مستقیم و غیرمستقیم در صفحات مختلفی از کتاب و به ویژه در فصلهای ۱۶ و ۲۳ آن از وجود بنه‌ها در اسدآباد همدان و بروجرد و ورزقان آذربایجان و خیر و جهرم و داراب و قرابولاغ فارس و باشت و ممسنی و مناطقی از سیستان و بلوچستان و استان کرمان و خراسان و عقیلی شوشتر و ... سخن می‌گوید.<sup>۲</sup>

زویایه دید و نحوه برخورد خانم لمپتون نسبت به بنه‌ها سبب شده که وی نیز همچون دکتر بهرامی به جنبه‌ها و روابط تعاونی کشاورزان در داخل بنه کمتر توجه کرده و یا اصولاً بی‌توجه باشد. در همین جا باید گفت نظریه خانم لمپتون درباره تکروری کشاورزان ایرانی نیز از همین بی‌توجهی ناشی شده است.<sup>۳</sup>

اگر خانم لمپتون بیشتر از طریق مصاحبه و مشاهده<sup>۴</sup> به درک بنه‌ها - هر چند غیرمستقیم - توفیق یافته است، پطروشفسکی وجود بنه‌ها را از مطالعات تاریخی خود

۱. لغت‌نامه دهخدا، حرف «ب»، ص ۳۳۵، به نقل از: غلامحسین مصاحب و دیگران، دایرةالمعارف فارسی، تهران، ۱۳۴۵.

۲. لمپتون، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵، صص: ۳۸، ۳۱۹، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۵، ۵۲۶، ۶۴۰، ۶۴۴، ۶۴۶ و ۶۴۸.

۳. لمپتون، همان، ص ۶۸۴. در نقد این نظر نگاه کنید به: «آیا کشاورزان ایرانی تکرورند؟»، فصلنامه تعاون و کشاورزی، شماره ۲، از همین قلم.

۴. همان. مقدمه مترجم، ص ۱۰.

باز یافت کرده، گرچه - شاید به خاطر قلت منابع تاریخی در این زمینه - اطلاعات فراوان و در خوری آن چنانکه باید بدست نمی دهد.<sup>۱</sup>

شادروان آل احمد در کتاب *تات نشینهای بلوک زهرا برای نخستین بار به معرفی نسبتاً دقیقی از نوعی بنه (بنه فرسایش یافته) در دو روستای «گزآباد» و «ابراهیم آباد» بوئین قزوین پرداخته است. وی بنه را نوعی سازماندهی کار کشاورزی دانسته و روابط بنه‌ها را با مسئله تقسیم آب و آبیاری مطرح می سازد.<sup>۲</sup>*

پس از *تات نشینها* آقای هوشنگ ساعدلو در ۱۳۴۷ در جزوه درسی پلای کپی شده‌ای به نام *اقتصاد کشاورزی در حدود پانزده صفحه در باره «سازمانهای تولید زراعی سنتی ایران» (بنه‌ها) مطالب تازه‌ای را مطرح کرده‌اند که عبارت است از معرفی یک «بنه دیمکار»<sup>۳</sup> در کورده، دهی نزدیک لار،<sup>۴</sup> و یک «بنه فرسایش یافته» از محمودآباد اصفهان<sup>۵</sup> و بالاخره معرفی بنه‌های سه دهکده خوزین و دولت آباد و زوار در دشت قزوین.<sup>۶</sup>*

آقای ساعدلو در این جزوه بنه‌ها را «منطقی ترین سازمان‌های تولیدی اکثر روستاهای ایران در انطباق با شرایط طبیعی» دانسته<sup>۷</sup> و معتقدند «بنه‌ها و صحراها می توانند به بهترین سازمانهای تعاونی و روستائی ایران تبدیل گردند».<sup>۸</sup>

ساعدلو در ده سال بعد، در کتاب *مسائل کشاورزی ایران*، به هنگام نقد کتاب بنه با احاطه‌ای که به مسائل اقتصاد کشاورزی و جامعه‌شناسی روستایی ایران داشته‌اند، در بیست و شش صفحه فشرده نظریات و دانسته‌های خود را در زمینه بنه‌ها و دورنمای آینده آنها، همراه با تاریخچه مختصر اما بسیار مفیدی از مطالعات «ده‌شناسی» در ایران

۱. ایلیا پاولویچ پطروشفسکی. *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول*، ترجمه کریم کشاورز،

تهران، انتشارات نیل، ۱۳۵۵، ص ۵۴۹-۵۵۶ و ۵۶۵-۵۶۴.

۲. جلال آل احمد. *تات نشینهای بلوک زهرا*، تهران، امیرکبیر، ص ۲۹-۲۴.

۳. نامگذاری از نگارنده است.

۴. هوشنگ ساعدلو، *اقتصاد کشاورزی* انتشارات دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران ۱۳۴۷، (پلای کپی) ص

۸۴ - ۸۶.

۵. هوشنگ ساعدلو. همان. ص ۸۸-۶۲.

۶. همان ص ۹۸-۹۴.

۷. همان. ص ۹۸.

۸. همان.

ارائه کرده‌اند.<sup>۱</sup>

گفتنی است که در اقتصاد کشاورزی بنه‌هایی از «ابراهیم آباد» نیشاپور نیز معرفی شده که پژوهش آقای موریانو و آقای طالب است.<sup>۲</sup>

اما عظیم‌ترین کاردر توصیف بنه‌ها، کتاب بنه (نظام‌های تولید زراعی جمعی قبل و بعد از اصلاحات ارضی) است که انتشار آن در سال ۱۳۵۱ به راستی نقطه عطفی در بنه‌شناسی ایران به شمار می‌آید.

آقای صفی‌نژاد در این کتاب به معرفی نمونه‌هایی از بنه‌های جنوب تهران و خراسان و سیستان و بردسیر کرمان دست زده‌اند.<sup>۳</sup> کتاب اسناد بنه‌های شهرری (غاروفشافویه)، توسط همین نویسنده در سال ۱۳۵۶ به چاپ رسیده است.<sup>۴</sup>

لازم به یادآوری است که آقای صفی‌نژاد، شش سال پیش از چاپ کتاب بنه، در کتاب منوگرافی ده طالب آباد، بنه‌های این روستای ورامین را نیز معرفی کرده‌اند.<sup>۵</sup>

در شروع اصلاحات ارضی به جهات مختلف و از آن جمله عدم شناخت کافی،<sup>۶</sup> توجه لازم به نظام بنه‌ها به عنوان الگوی تجربه شده‌ای برای آینده کشاورزی ایران به عمل نیامد. اما پس از گذشتن حدود یک دهه از این اصلاحات و بروز عوارض مختلف و منجمله کوچک شدن قطعات زمینهای کشاورزی، وزارت تعاون و امور روستاها به فکر مطالعه بنه‌ها و بررسی امکان تشکیل گروههای زراعت جمعی (مشاعها) افتاد و به همین خاطر پژوهشگران این وزارتخانه در ۱۹ ده در چهار منطقه فسا، کرمانشاه، اسلام‌آباد غرب و نیشاپور به تحقیق پرداختند. حاصل کار گزارشی است در ۱۱۸ صفحه پلی‌کپی

۱. هوشنگ ساعدلو، مسائل کشاورزی ایران، تهران، ۱۳۵۷.

۲. موریانو، مهدی طالب، منوگرافی ابراهیم‌آباد نیشاپور، تهران، مؤسسه تحقیقات اجتماعی، ۱۳۲۵، ۲۰، ۲۷، ۲۵.

۳. جواد صفی‌نژاد، بنه (نظام‌های تولید زراعی جمعی قبل و بعد از اصلاحات ارضی)، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۳.

۴. جواد صفی‌نژاد، اسناد بنه‌ها (اسناد بنه‌های شهرری)، تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ۱۳۵۶.

۵. جواد صفی‌نژاد، طالب‌آباد (نمونه جمعی از بررسی یک ده)، تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ۱۳۵۵.

۶. برای دلایل این بی‌توجهی نگاه کنید به: مرتضی فرهادی، زمین‌ها و شیوه‌های یاریگری در جوامع شهری و روستائی، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۶۵، (پلی‌کپی) ص ۱۵-۶.



شده، شامل خلاصه‌ای از سوابق برخی یاریگریهای سنتی و بنه‌ها در این مناطق. مطلب تازه این گزارش، وجود «بنه‌های فرسایش یافته» در روستای چقاچنگای در اسلام‌آباد غرب (شاه‌آباد سابق) است.<sup>۱</sup>

آخرین مطلبی که درباره بنه‌ها پیش از انقلاب به چاپ رسیده است مقاله زنده و ارزنده‌ای از آقای سیروس سلمان زاده است. در این نوشته از «بنکو» (بنه فرسایش یافته) سازمان کار سنتی کشاورزان دزفول و همچنین تشکیل گروههای زراعت جمعی زارعین مهاجر اصفهانی (بنه‌های خودانگیخته و مهاجرکار جدید) و کارآمدی آنها سخن به میان آمده است. در این مقاله همچنین کار دو تن از پژوهشگران آلمانی درباره «بنکو» معرفی شده است.<sup>۲</sup>

«... گروه‌های کار جمعی که در دزفول به نام «بن‌کو» معروفیت داشته‌اند، توسط «اهلر»<sup>۳</sup> در سال ۱۹۷۳ و «گودیل»<sup>۴</sup> در سال ۱۹۷۴ مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. بررسی اول مربوط به روستای «بنوار شامی» و «سیاه منصور» در پنج کیلومتری جنوب شرقی شهر دزفول و تحقیق دوم به روستای «شوهان» در ۱۸ کیلومتری جنوب غربی شهر

۱. داراب شریف‌پور، مرتضی مجتهدزاده و محمود علیمراد، بررسی امکان تشکیل گروه‌های زراعت جمعی، تهران، دفتر تحقیقات تعاونی ۱۳۵۵. (پلی کپی).

۲. سیروس سلمان‌زاده، «نوآوری در نظام کشاورزی سنتی شمال خوزستان»، مجله علمی کشاورزی، شماره ۴ (آبان‌ماه ۱۳۶۵)، دانشکده کشاورزی دانشگاه جندی‌شاپور، ص ۵۴.

3. Ehlers, Von Eckart (1973) "Bunvar Shami-Siah Mansoor, Methoden und Probleme der Landreform in Khuzistan, Südiran". (Bunvar shami-siah Mansoor, Methods and Problems of Land Reform in Khuzistan, Southern Iran), *Zeitschrift Für Ausländische Landwirtschaft*, Jahrgang, 12. Herftz; Ehlers, Von Eckart and Goodell, Grace (1975), *Traditionelle und moderne Formen der Landwirtschaft in Iran, Siedlung, Wirtschaft und Agrarsozialstruktur im nördlichen Khuzistan seit dem Ende des 19. Jahrhunderts* (Traditional and Modern Forms of Agriculture in Iran-Settlement, Economic Systems, Agrarian Social Structure in Northern Khuzistan since the end of 19th Century), Marburg, Germany, Geographischen Institutes der Universität Marburg.

4. Goodell, Grace (1974), "Some Aspects of Village Social Structure and Family Life in Northern Khuzistan", (A Paper Presented in the Social Sciences and Problems of Development Conference, held in Shiraz, Iran).

دزفول بوده است...<sup>۱</sup>

در شش سال گذشته مرکز تحقیقات روستایی وزارت کشاورزی و عمران روستایی، مطالعاتی را دربارهٔ مشاعها (بنه‌های برانگیخته) بی که حاصل لوایح قانونی مربوط به اصلاحات ارضی اسلامی و هیئتهای هفت نفرهٔ واگذاری زمین است، شروع کرده که برخی از گزارشهای آن همچون بررسی مشاعهای جیرفت<sup>۲</sup> و گرگان و گنبد<sup>۳</sup> منتشر شده‌اند و کار بر روی مشاعهای مناطق دیگر ادامه دارد. در این دو گزارش پس از بیان کلیاتی دربارهٔ اوضاع جغرافیایی و اقتصادی و جمعیتی منطقه، تاریخچه‌ای از اصلاحات ارضی و اشکال بهره‌برداری و تولید زراعی آن پیش از انقلاب، تحولات پس از آن و تکوین و تصویب لوایح قانونی اصلاحات ارضی اسلامی و هیئتهای هفت نفره، شکل‌گیری مشاعها، نارساییها، مسائل و مشکلات آنها مطرح گردیده و در پایان توسط گروه پژوهشگران پیشنهاداتی ارائه گردیده است.

آخرین مطالب قابل توجهی که دربارهٔ بنه‌ها در این اواخر به چاپ رسیده، دو مقالهٔ جالب و روشنگر دربارهٔ «یازو» (بنهٔ همترانه)<sup>۴</sup> در شمال خراسان<sup>۵</sup> و نقش عوامل تولید در شکل‌یابی روشهای تولید گروهی و ساختار قدرت، با نمونهٔ «پاگاو»های سیستان در اواخر دوران قاجاریه است.<sup>۶</sup>

نوع بنه‌های معرفی شده در مقالهٔ «یازو» از تازگی خاصی برخوردار است. این تازگی در مورد «همبازی» (بنهٔ همترانهٔ دیمکار) در روستاهای پر باران ساری که در پاورقی مقالهٔ فوق‌الذکر معرفی شده است نیز صادق است.

۱. سیروس سلمانزاده، پیشین، صص ۵۴ و ۵۵.

۲. هوشنگ بافکر و دیگران، پیشین.

۳. هوشنگ بافکر و دیگران، پیشین.

۴. نامگذاری از نگارنده است.

۵. محمد حسین پاپلی یزدی و جلیل حسن‌پور رضوی. «یازو، نمونه‌ای از نظام سنتی بهره‌برداری جمعی در شمال خراسان» مجموعهٔ مقالات سمینار جغرافی (شمارهٔ ۳)، به‌کوشش محمد حسین پاپلی یزدی، مشهد، ۱۳۶۵، صص ۳۷۷-۴۰۷.

۶. حسن ضیاء توانا، «نقش عوامل تولید در شکل‌یابی روشهای تولید گروهی و ساختار قدرت»، مجموعهٔ مقالات جغرافیایی (شمارهٔ ۳)، صص ۳۲۷-۳۲۵.

معرفی گونه‌های جدید بنبه و پیگیری کار بنبه‌ها در مناطق دیگر ایران نشان خواهد داد که که تحلیل و طبقه‌بندی (گونه‌شناسی) بنبه‌ها به تجدید نظر فراوان نیازمند است.<sup>۱</sup>

#### آرا در چگونگی پیدایش بنبه‌ها

فهم دلایل پیدایش بنبه‌ها در تاریکیهای تاریخی و ماقبل تاریخی در ایران و دیگر کشورهای جهان، و مهم‌تر از آن فهم دلایل تداوم بنبه‌ها در تغییرات و دگرگونیهای پیوسته تاریخ کشاورزی کهنسال ما از سویی، و در شرایط متفاوت اقلیمی، و جغرافیایی و فنی و ... از سوی دیگر، هم از لحاظ نظری و پیشبرد کار علوم اجتماعی و به ویژه «جامعه‌شناسی تعاون» و مردم‌شناسی اقتصادی و بوم‌شناسی انسانی و هم از لحاظ کاربردی دارای اهمیت بسیار است. اگر به درستی دانسته شود که تحت چه شرایطی بنبه‌ها به وجود آمده و مهم‌تر از آن اینکه تحت چه شرایطی تغییر و تداوم یافته‌اند، می‌توان دانست که آیا چشم‌امیدی بر این تجربه طولانی در شرایط فعلی و آینده کشاورزی ایران می‌توان داشت یا نه. برای مثال، آیا می‌توان از این تجربیات در کارآمد کردن هر چه بیشتر تعاونیهای رسمی به طور اعم و «مشاعها» (بنبه‌های برانگیخته) و تعاونیهای تولید کشاورزی به طور اخص سود جست؟

گفتنی است نظریاتی که تا به حال در باره دلایل پیدایش بنبه‌ها عنوان شده است، گرچه از جهات گوناگون اشکال پذیر هستند، اما چهارچوبه‌هایی برای تفکر و انگیزه‌هایی برای پژوهش بیشتر فراهم ساخته‌اند.

ما در اینجا نه قصد و نه توان آن را داریم که دلایل پیدایش و دلایل تداوم بنبه‌ها را از یکدیگر تفکیک کنیم و بازشناسیم، بلکه تنها می‌خواهیم در پرتو اطلاعات تازه‌تر و جمع‌بندی مصالح فراهم شده و نظریات ارائه شده در را به روی فرضیات و پژوهشهای نوتری بگشاییم. و در این راه نخست به ذکر این آرا می‌پردازیم.

۱. در این نوشته - تا حد اطلاع - تکیه بر کتابها و مقالات چاپ شده و پلی‌کپی شده بوده است. کار بر روی پایان‌نامه‌های تحصیلی که لازم نیز هست، کار جداگانه‌ای می‌طلبد. در صفحات آینده نگارنده به برخی از پایان‌نامه‌های دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران اشاراتی خواهد داشت.

## جدول شماره ۱

نام بینه و اعضای آن در جدول شماره ۱ مناطق ایران با ذکر منبع

ردیف	نام منطقه	نام بینه	نام سربینه	نام سایر اعضا	گزارشگر	منبع
۱	آذربایجان	جفت	همپا	کشاورز، نرسه	لمپتون	مالک و زارع در ایران، ۸۰.
۲	آمل (دوران سر)	گوشه		نیم و وح، مرزبند،	فرهادی	پادداشتهای شخصی
۳	آمل (رشکلا)	گاوشته		آبیار، نشاگر	ناصرالدین طاهری	گاوشته در روستای رشکلا، مرزبند، گویار، گویه دشت سر آمل * ۱۳۶۷.
۴	اراک (شترکه)	—	—	—	حسین آتابلایی فراغان	بنه بندی در ده شترکه
۵	اسلام آباد غرب (چنچنگا)	بنه	سربینه	—	شرفی پور دجگان *	
۶	اصفهان (محمود آباد)	طاق	سرطاق	—	هوشنگ ساعدلو	اقتصاد کشاورزی، ص ۸۹.
۷	البد سرد چهارمگ، ده آسپاس)	پشک	سرپشک	عبدالله گروسی		دانشگاه تهران، ۱۳۵۶-۵۷
۸	الگودرز (دهور و فرزبان)	دانگی		فرهادی		پادداشتهای شخصی
۹	ایذه (جم ریحان)	قراع	—	—	غلامحسین صالحی	منوگرافی ده جم ریحان
۱۰	بافت (گرو بدنت و خالنه)	دانگ	شحنه - سرزعیم	زعیم	فرهادی	پادداشتهای شخصی
۱۱	بردسیر (احمد آباد)	حرائه	سرزعیم	پازعیم	صفی نژاد	بنه، ص ۲۶۰.
۱۲	بیم (پشک و بیرساء)	—	سرزعیم	زعیم، عمله	فرهادی	پادداشتهای شخصی
۱۳	بیبور	—	سرزعیم	زعیم - دهقان	لمپتون	مالک و زارع... ص ۴۶.
۱۴	بیبور	نرنگار	سرزعیم	زعیم، گل، عمله	عاشق عبدالله گروسی	جغرافیای تاریخی بیبور و چغان
۱۵	بهبهان	دپرکار	میرمات	میرکلور	صفی نژاد	بنه، ص ۱۰.
۱۶	بهبهان (دشت بهبهان)	گنه	سرکه	—	نعمت الله مرهید	مطالعات وضع اقتصادی احصائی روستاهای
۱۷	بیرجمه (علی آباد رنگیو)	نیرکار	سالار	دهقان	لمپتون	مالک و زارع.
۱۸	تربت حام	صحرا	سر سالار	سر سالار، گازمرد	صفی نژاد	بنه، ص ۱۰.
۱۹	تربت حام (سمرقاره)	صحرا	سر سالار	سرگارد، سر سالار	ازکیا	سر باره دهندهان از تربت حام
۲۰	تربت حیدریه	صحرا	سر سالار	دهقان	صفی نژاد	بنه، ص ۱۰.
۲۱	تهران	بنه	سر آبیاز	دم آبیاز، برزگر	لمپتون	مالک و زارع، ص ۵۲۹.
۲۲	نایباد (دشت کرات)	صحرا	سالار	دهقان	شهنواز نجم آبادی	فصلنامه تحقیقات جغرافیائی ص ۲۰
۲۳	جهرم	حرائه	رفیق سفید	—	لمپتون	مالک و زارع، ص ۵۲۵.
۲۴	حاجی آباد * * * (حایین و فارغان)	حرائه	سرزعیم	عمله	فرهادی	پادداشتهای شخصی
۲۵	حاجی آباد (ارزیبه و افطاع)	دونگ	—	—	فرهادی	پادداشتهای شخصی.
۲۶	خمین (رباط اسلک و فریق)	دانگی	—	—	فرهادی	پادداشتهای شخصی
۲۷	خوزستان (خلف آباد)	خیفین	—	بازیار	لمپتون	مالک و زارع ص ۶۴۴.

\* کار دانشجویی تحت نظر نگارنده.

\* \* \* داراب شریف پور. مرتضی مجتهدزاده و محمود علیمراد، بررسی امکان تشکیل گروههای زراعت

جمعی، تهران وزارت تعاون و امور روستاها، (پلی کپی) ص ۱۱.

\* \* \* «حاجی آباد» شهرکی است میان راه سیرجان به بندرعباس و جزو استان هرمزگان.

بقیه جدول شماره ۱  
نام بنه و اعضای آن در برخی مناطق ایران با ذکر منبع

ردیف	نام منطقه	نام بنه	نام سربنه	نام سایر اعضا	گزارشگر	منبع
۱	داراب (۶۸٪ روستاهای منطقه)	—	—	—	مهندسین مشاور	گزارش مقدماتی توسعه و عمران منطقه داراب، سازمان برنامه، ص ۱۰۸-۲۱۲
۲	دره گز (میر قلعه)	پیکال	سربیکال	دهکان	میر شاهی	میرقه دهکده ای از دره گز، ص ۷۱
۳	دره گز	پیکال	سربیکال	دهقان	صفی نژاد	بنه، ص ۱۰
۴	دزفول (نوار حسین)	نکو	سربنکو	—	سلیمان زاده	مجله علمی کشاورزی، ۷
۵	دزفول	بنه اصمغیانی	ایار- سربنه	دم ایار	سلیمان زاده	مجله علمی کشاورزی، ۱۲
۶	رفسنجان (عبدالله آباد و رحمت آباد)	دانگ	سرزعیم	مرد	لمپتون	مالک و زارع، ۵۲۳
۷	رفسنجان (نوق)	حرا نه	بهمرد	مرد	فرهادی	یادداشت های شخصی
۸	ری	بنه	آبیار	برزگر	صفی نژاد	بنه، ص ۱۰
	ری (نظر آباد)	بنه قصبی	آبیار	دم آبیار- برزگر پادو - مزدور	صفی نژاد	بنه، ۱۶۱
۹	زابل	پانگار	سالار	دهقان	بابی پردی، خیری	مجموعه مقالات سمینار جغرافیایی، ص ۳۷۸
۱۰	ساری	همیاری	—	—	بابی پردی، خیری	مجموعه مقالات...، ص ۳۷۰
۱۱	سندج	جوغ	سر جوغ	—	لمپتون	مالک و زارع ص ۵۱۶
۱۲	سیرجان (ملک آباد و دارستان)	حرا نه	سرزعیم	شریک	فرهادی	یادداشت های شخصی
۱۳	سیستان	پانگوشی	—	—	جی. بی. نیت	سیستان، ۲۷۴
	پانگوتحولیل	—	—	جی. بی. نیت	سیستان، ۲۷۴	
۱۴	سیستان	پانگار	سالار	کشگر	صفی نژاد	بنه، ص ۱۰
۱۵	سیستان	نوبل- ضعی	سالار	—	ضیاء نوانا	مجموعه مقالات سمینار، ص ۳۴۴
۱۶	شوشتر (عقبلی)	خیش	—	سمکار- برزگر	لمپتون	مالک و زارع، ص ۶۴۴
۱۷	شهاد	—	سرزعیم	—	لمپتون	مالک و زارع، ص ۶۴۷
	شیراز (مینودشت)	—	—	—	اسماعیل عجمی	تشنگی، ص ۸۰، ۷۹، ۶۲، ۶۱، ۲۵
۱۸	شیراز	حرا نه	سر حرا نه	دهقان	صفی نژاد	بنه، ص ۱۰
۱۹	طیس	سرکار	سالار	خرکار	صفی نژاد	بنه، ص ۱۰
۲۰	فارس (خیر)	بندگار	گاوبند	—	لمپتون	مالک و زارع، ص ۶۴۲
۲۱	فارس	صحرا	سر سالار	دهقان	بابی پردی، خیری	مجموعه مقالات...، ص ۳۷۸

بقیه جدول شماره ۱  
نام بینه و اعضاء آن در برخی مناطق ایران با ذکر منبع

ردیف	نام منطقه	نام بینه	نام سرینه	نام سایر اعضا	گزارشگر	منبع
۱	فردوس	سرکار	سالار	برسالار	کیانی منش	کاربرد دهکده‌های از فردوس، ص ۱۰۴
۲	فردوس	سرکار	سالار	برسالار	صفی‌نژاد	بینه، ص ۱۰
۳	فردوس	سرکار	سرکار	دهقان	پاپلی‌زیدی، رضوی	مجموعه مقالات...، ص ۳۷۸
۴	فیروزآباد (سیاخ و دارانگون)	نیکو	نیکوبر	—	عبدالله گروسی	یادداشت‌های شخصی
۵	قاینات (دهات اریایی)	تیزکار	سالار	برزگر	لمپتون	مالک و زارع، ص ۵۲۱
۶	قزوین (بلوک زهرا)	بینه	سرینه	—	آل احمد	نات‌نشینهای بلوک زهرا، ص ۲۴
۷	قزوین	بینه	سرینه	ورینه	صفی‌نژاد	بینه، ص ۱۰
۸	قزوین (کمال آباد)	بینه	—	—	هوشنگ الیاسیان	تحقیق اجتماعی روستاهای دشت قزوین، سازمان عمران قزوین، ۱۳۴۸، ص ۷۴
۹	قشم (کپوره)	لرک	سرداق	همیار	صفی‌نژاد	مبانی جغرافیایی انسانی، ۶۵
۱۰	کاشمر	صحرا	سالار	دهقان	بیک‌خلق، شهلازیدی حسین تقی پور	متوگرافی ابراهیم آباد کاشمر
۱۱	کاشمر	صحرا	جع‌سالار	بی‌سالار	صفی‌نژاد	بینه، ص ۱۰
۱۲	کرج	بینه	—	—	مرتضی زارعی	بررسی وضع بینه در روستای ولیان، ص ۲۴
۱۳	کردستان (سقر)	جفت	—	—	لمپتون	مالک و زارع، ص ۶۴۸
۱۴	کردستان	بحرغ	سرجوغ	دهقان	پاپلی‌زیدی، رضوی	مجموعه مقالات...، ص ۳۷۸
۱۵	کرمان	خرانه	سرزعیم	پازعیم	صفی‌نژاد	بینه، ص ۱۰
۱۶	کهنکلیو (باشت)	خیش	—	بازیار	لمپتون	مالک و زارع، ص ۶۴۴
۱۷	کهنکلیو	درکار	میرمات	میرکلور	صفی‌نژاد	بینه، ص ۱۰
۱۸	گرمسار	بینه	سرینه	پابنه	صفی‌نژاد	بینه، ص ۱۰
۱۹	لار (کورده)	صحرا	—	—	هوشنگ ساعدلو	اقتصاد کشاورزی، ص ۸۴ و ۸۵
۲۰	لار (عمادده)	هراسه	مزیری و بنکوبر	زعیم	عاس‌عبدالله گروسی	یادداشت‌های شخصی
۲۱	مشهد (خیابان شادکان)	صحرا	سرسالار	سالار - سردهقان دهقان	لمپتون	مالک و زارع، ص ۵۲۴
۲۲	ملایر (ازندریان و عشاق و گمسا و جوزان و کهریز توسک و مانیزان)	دانگی شراکتی تسوج	—	—	فرهادی	یادداشت‌های شخصی

بقیه جدول شماره ۱  
نام بنه و اعضاء آن در برخی مناطق ایران با ذکر منبع\*

ردیف	نام منطقه	نام بنه	نام سر بنه	نام سایر اعضا	گزارشگر	منبع
۱	ممسنی	—	گاو بند	باز بار	لمپتون	مالک و زارع، ص ۶۴۱.
۲	نیشابور (ابراهیم آباد)	سحرا	سالار	—	موریانو مهدی طالب	ابراهیم آباد نیشابور، ص ۲۱.
۳	نیشابور (دهستان سرو لایت)	بازو	سریازو	دهقان	پاپی زدی، رحیمی	مجموعه مقالات، ص ۳۶۹.
۴	رورامین	بنه	آبیار	برزگر	صفی نژاد	بنه، ص ۱۰.
۵	ورزقان	جفت	—	—	لمپتون	مالک و زارع، ص ۶۴۰.
۶	همدان (اسدآباد بادخره و بیرانون)	بلوگ	سر بلوک	—	گروسی	پادداشت های شخصی
۷	همدان (سزن رزن)	دنگ	—	—	علی احمد منقوی	پادداشتهای شخصی
۷	یزد (اشکدر)	لردکاری	—	—	گروسی	پادداشت های شخصی

\* از روستازادگان دانشمند و پژوهشگران و صاحبان اطلاع تقاضا می شود چنانچه از سوابق «بنه» (کشت شراکتی و گروهی زمینهای کشاورزی از کاشت تا برداشت و تقسیم محصول) اطلاع یا اسنادی در دست دارند به شیوه مرضیه یاریگری اطلاعات خود را به نشانی فصلنامه و یا صندوق پستی شماره ۱۷۴۴۵/۱۴۷ با نگارنده در میان نهند، تا پس از مستند شدن به این جدول اضافه شوند.

تا حد اطلاع ما، پطروشفسکی یکی از نخستین کسانی است که بر اساس اطلاعات و مدارک تاریخی کوشیده است دلایل پیدایش گروههای تعاونی کشاورزی (جفت، فدان) را توضیح دهد. او در کتاب کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول در چند جا به این مسئله اشاره می کند و دلایل پیدایش این گروهها را ناتوانی خانواده روستائی در خرید نیروی شخم و کارهای ضروری آبیاری می داند.

«... عادتاً یک خانوار منفرد روستائی بسیار فقیرتر و ناتوانتر از آن بوده که خیش سنگین و یا سبک و گاوان نر را برای کشیدن آن خریداری کرده، کارهای ضروری آبیاری را انجام دهد ... بدین ترتیب در ایران و کشورهای مجاور آن، یک قاعده کلی حکمفرما بوده که چند خانوار روستائی متحد شده یکجا خیش و گاو و تخم برای زرع اتباع می کردند و با هم مساحت معینی را کشت می کردند که «جفت» یا «فدان» نامیده می شده.»<sup>۱</sup>

۱. پطروشفسکی، پیشین، ج ۲، صص ۵۴۷، ۵۵۶.

جفت، با قطعه زمین شخصی یک خانوار دهاتی مطابقت نداشته و قاعدتاً یک خانوار قادر به خرید و نگهداری گاو نر برای کشش خیش نبوده، و بدین منظور تا این ایام نیز روستائیان ایران در گروه‌های کوچک متحد شده و چند خانوار در یکجا به خرید و نگهداری خیش و عوامل کشش آن اقدام می‌کنند. به موجب یادداشت‌هایی که در سال ۱۲۷۳ هـ. میرابوالحسن شاه دربارهٔ سیستم تنظیم کرده در ۱۸ روستای ایالت مزبور - متعلق به علی خان سربندی ۷۱۰ زوج (جفت) در برابر ۴۷۰۰ خانوار روستائی وجود داشته - و از ۳ تا ۲۰ خانوار یک زوج و به طور متوسط هر ۶-۷ خانوار یک زوج گاو داشته‌اند. در یادداشت مزبور این رقم متوسط در مورد دیگر روستاهای متعلق به سایر مالکان سیستم نیز تکرار شده است.<sup>۱</sup>

مسئله آبیاری که پطروشفسکی نیز به آن به عنوان یکی دیگر از دلایل پیدایش بینه‌ها اشاره کرده است، به شکلهای گوناگون محور بسیاری از نظریات دربارهٔ پیدایش بینه بوده است:

«علت اصلی به وجود آمدن نظام بهره‌برداری گروهی در شرق از دیدگاه برخی پژوهشگران و شرق‌شناسان همانند «ویت فوگل» و «وارگا»<sup>۲</sup>، شرایط آب و هوایی (جغرافیائی) به ویژه در نواحی نیمه صحرائی، که ضرورت آبیاری مصنوعی به کمک نهربندی و سایر اقدامهای مشابه را ایجاب می‌کند، می‌باشد.»<sup>۳</sup>

دو تن از پژوهشگران مسائل تعاونی و روستایی ایران بینه را حاصل تکامل «بنه آب» و دلیل پیدایش «بنه آب» را اقتصادی کردن بهره‌برداری از منابع کمیاب آب دانسته‌اند.

«...بنه که نوع ساده آن به نام «بنه آب» به صورت همکاری زارعان یک ده برای جلوگیری از هدر رفتن آب از طریق مبادله نوبت آب در قطعات پراکنده و زمینهای واقع در قسمت‌های مختلف ده، در تعدادی از روستاها دایر است، در برخی از مناطق روستایی تکامل بیشتری پیدا کرده و به شکل یک سازمان متشکل عمل می‌کند، که در آن نوعی همکاری و تعاون بین زارعان عضو و در زمینهای زراعی متعلق به آنها برقرار

۱. همان ص ۵۴۹.

2. Wittfogel 1962, Varga 1968.

۳. حسن ضیاء توانا، پیشین، ص ۲۲۷.



می باشد، و مدیریتی به عنوان «سربنه» با همکاری سایر اعضا که به نسبت مشخصی در انجام کارها و بهره برداری سهمیند، اداره کشت و بهره برداری را بر عهده دارند.<sup>۱</sup> درباره دلیل پیدایش و گسترش «بنه‌ها» پژوهشگران ایرانی نظریات دیگری را نیز عنوان کرده‌اند، که مسئله کمبود آب، میزان بارندگی، مالکیت و مدیریت و ... از آن جمله‌اند. آقای ساعدلو در این باره می نویسد:

«تشکیل چنین سازمانهایی را می توان بیشتر به علت طریقه خاص آبیاری و مشکلات ناشی از آن دانست. اساس آبیاری در اکثر دهات ایران مبتنی بر روش آبیاری از طریق قنوات و انهار است. در بسیاری از دهات طول نهرهایی که آب را از منبع اصلی به زمین کشاورزی منقل می کنند، بسیار زیاد است. در بعضی دهات این فاصله متجاوز از ده کیلو متر می باشد. رسانیدن آب از مسافتی چنین طویل به مزارع به صورت فردی ممکن نیست، استفاده از آب و آبیاری مزارعی که مالکیت آن و یا محصولات کاشته شده در آن متعلق به بیش از یک نفر است، سبب تشکیل گروههای متشکل در ده می شود....»<sup>۲</sup> آقای ساعدلو در جای دیگر می نویسد:

«... امر آب برای کشاورزی به حدی حیاتی است که در بعضی نقاط اساساً بنه تنها به خاطر آب تشکیل می شود و به همین دلیل هم به آن بنه آبی می گویند، با این توضیح که تشکیل بنه حتماً به آب بستگی ندارد، چراکه در دهات دیم‌کار نیز بنه بندی وجود دارد.»<sup>۳</sup> آقای صفی نژاد از بنیادگذاران «بنه شناسی» در ایران درباره علت پیدایش بنه‌ها می نویسد:

«بنه، صحرا، حراثه که در طول تاریخ کهن زراعی ایران در نیمه شرقی کشور به وجود آمده و نظام یافته و شکل گرفته است، نتیجه کمبود باران به مناسبت خست طبیعت در این منطقه و عکس العمل پی گیر و تلاش مداوم روستائیان در مبارزه با طبیعت است که به خاطر نیازهای زراعی خود، نظامهای تولید جمعی زراعی سنتی را در سراسر منطقه با

۱. مهدی هاشمی و کاظم ودیعی، نهضت تعاونی در ایران، تهران، ۱۳۵۵.

۲. هوشنگ ساعدلو، مسائل کشاورزی ایران، تهران، انتشارات رواق، ۱۳۵۷، ص ۸۹.

۳. هوشنگ ساعدلو، اقتصاد کشاورزی، تهران، شرکت تعاونی دانشجویان دانشکده اقتصاد، ۱۳۴۷، صص

اشکالی تقریباً همانند به وجود آورده‌اند...<sup>۱</sup>

آقای صفی نژاد در جای دیگر می‌نویسد:

«واحدهای تولید زراعی جمعی که نوعی تعاونیهای سنتی کهن می‌باشند منحصرأ در منطقه کم باران نیمه شمالی منطقه شرقی به وجود آمده‌اند... اگر مرز این واحدهای تولیدی زراعی را با خط همباران ۳۰۰ میلیمتر مقایسه کنیم، مشاهده می‌شود که تقریباً و نه تحقیقاً بر هم منطبقند.

از انطباق خط همباران ... با مرز بنه‌ها مشاهده می‌کنیم که در بعضی نقاط نایستی بنه وجود داشته باشد ولی دارد. (نقشه شماره ۲) بر این اساس بخشهایی استثنایی ایجاد می‌شود که بررسیهای عمیقتری را ایجاد می‌کند تا چگونگی آن آشکار شود.<sup>۲</sup>

هم ایشان در کتاب اسناد بنه‌ها مالکیت یک مالک واحد بر یک ده ششدانگی را یکی دیگر از دلایل اساسی پیدایش بنه قلمداد کرده‌اند:

«...اداره املاک خالصه در این منطقه مالک بر تعداد زیادی آبادی‌های «تک مالکی» بوده و بدین سبب زمینه پیدایی بنه‌ها به وجود آمده، زیرا مالکیت یک مالک بر یک ده «تک مالکی» یکی از دلایل اساسی پیدایش بنه است.<sup>۳</sup>

اما آخرین استدلال نه برای پیدایش بلکه برای گسترش بنه‌ها را وجود مالکان غایب از ده دانسته‌اند:

«...مالکان غایب از ده این قبیل واحدهای زراعی (بنه‌ها) را به منظور اداره بهتر املاک خود و کنترل آسانتر رعایای خود تشویق می‌کردند.<sup>۴</sup>

و بالاخره حسن ضیاء توانا می‌نویسد:

۱. جواد صفی نژاد، بنه، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۳، ص ۲۱.

۲. جواد صفی نژاد، مبانی جغرافیای انسانی با اشاراتی به جغرافیای انسانی ایران، تهران، دانشگاه تهران، ص ۲۹۶.

۳. جواد صفی نژاد، اسناد بنه‌ها، تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ۱۳۵۶، صص ۸ و ۹.

4. Ajami, Agrarian Reform, Modernisation and Agricultural Development in Iran. Aspenpersepdis symposium, Iran Past, Present and Futurs, 1975, p. 15.

به نقل از: مصطفی ازکیبا، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۵، ص

«این واقعیتی است که در نظام بهره‌برداری گروهی، کشاورزان حق مالکیت فردی بر روی زمین ندارند. این موضوع از یک سو در رابطه با مالکیت اشتراکی یا عمومی می‌باشد، که در ادوار باستان وجود داشته است، و به نظر بعضی از نویسندگان، شکلی از اشکال مالکیت‌های اولیه است و امروزه نیز در میان جوامع کوچ‌نشین مشاهده و اثبات شده است. و از سوی دیگر در رابطه با مالکیت‌های بزرگ که از کارگران روزمزد کشاورزی استفاده به عمل نمی‌آید. بنابر این جهات: در این‌گونه مالکیتها توزیع و تفویض سالانه مزارع صورت می‌پذیرد. این کار هم از لحاظ سازمان‌دهی مناسبتر است، چرا که کنترل قطعات بزرگتر به وسیله گروههای تولیدی آسانتر می‌باشد تا اینکه قطعات کوچکتر ما بین افراد توزیع شود و هم از لحاظ اقتصادی یعنی تقسیم محصول - حد اقل برای مالک عمده - مزایای بیشتری در بر دارد. به هر حال، این مسئله قابل تعمق است که با تغییر، در نوع و روابط مالکیت در سیستان روش تولید گروهی نیز به سرعت از بین رفت، اما در زمین‌های عمده مالکی باقی مانده است و به حیات خود ادامه می‌دهد. پس، عامل «روابط مالکیت» در این جریان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.»<sup>۱</sup>

گفتنی است که در حدود ده سال پیش نظری شبیه آنچه در بالا ذکر شد توسط یکی دیگر از جامعه‌شناسان روستایی ایران در مورد «بنه‌بندی» اظهار شده است.<sup>۲</sup>

۱. حسن ضیاء توانا، پیشین، ص ۳۲۸.

۲. بی شبهه «بنه‌بندی در کار زراعی در حیات روستایی ایران یادگاری از نظام تولید کهن زراعی می‌باشد و احتمالاً زارعان ما در روزگاران بسیار کهن در زراعت به صورت دسته جمعی کار می‌کرده‌اند. تولید در اجتماع روستایی ما با این شیوه کار زراعی بوده است، شاید این امر از وضع اقلیمی و دشواری تهیه آب و به خصوص شیوه آبیاری ناشی شده باشد ... در دوره‌هایی که نظام بزرگ مالکی در ایران حاکم بود در بهره‌برداری از زمین «بنه‌بندی» همچنان رواج کامل داشت و مالک برای نظارت بهتر به کارهای زراعی از کار دسته جمعی در زراعت پیروی می‌کرد...» (خسرو خسروی، جامعه‌شناسی روستایی ایران، چاپ سوم تهران، انتشارات پیام ۱۳۵۸ ص ۸۲).

برای بحثی مشابه راجع به دلایل پیدایش «جفت» در روستاهای ایران نگاه کنید به: لمپتون، مالک و زارع در ایران، صص ۳۸-۴۲.

✽ در واقع مسئله تعویض هر ساله زمینی که آقای ضیاء توانا به آن اشاره کرده‌اند به مسئله بنه‌بندی برمی‌گردد. گر چه اغلب بین «بنه‌بندی» و وجود «بندها» (اعم از بندهای کامل و بندهای میانی) ارتباط نزدیکی وجود دارد و در گذشته‌های دور لزوماً چنین بوده است.

و بالاخره اینکه برخی پیدایش بنه‌ها را در پیوند با پستی و بلندی زمین داشته‌اند: «دسته‌ای دیگر آن را (پیدایش نظام تولید جمعی کشاورزی را) در رابطه مستقیم با پستی و بلندی زمین ذکر کرده‌اند و گسترش آنرا بیشتر در زمینهای جلگه‌ای و شنی و نیز عمومیت نظام را در سرزمینهای پست و جلگه‌ای دانسته‌اند.»<sup>۱</sup>

در پایان باید افزود که نگارنده با اذعان به اهمیت مسئله آب و باران و دشواری آبیاری در تاریخ اقتصاد و فرهنگ ایران و با همه احترامی که برای پیشگامان و تحلیل‌گران «بنه» قایل است، خود بر این باور است که: مسائلی همچون کمبود آب و باران و دشواری آبیاری در بنه و یا فقر زراعت و عدم امکان تهیه نیروی شخم به صورت انفرادی و یا نوع مالکیت و یا ضرورت مدیریت، هیچ‌کدام علت اولیه و نخستین پیدایش و گسترش این سازمانها نبوده، بلکه عوامل یاد شده به ویژه مسئله کمبود آب و باران و دشواری آبیاری و یا نیاز به نیروی کار فشرده در زمانی کوتاه و یا نوع مالکیت بر ابزار تولید و نحوه اعمال مدیریت و غیره تنها سبب تداوم و بقای اشکال قدیمتر این گونه تعاونها با کارکردهای نوین و اغلب محدودتر آنها شده است.

ظاهراً موجه‌ترین دلایل پیدایش بنه‌ها در برخورد با واقعیاتی که تاکنون از بنه‌ها می‌دانیم - که نسبت به پهنه و گوناگونی فرهنگی و جغرافیایی ایران چندان هم زیاد نیست - اگر کاملاً رنگ نوازند، بسیار کم رنگ خواهند شد.

واقعیات موجود نشان می‌دهد که با حذف و یا تغییر هر یک از عواملی که به عنوان دلیل پیدایش بنه‌ها ذکر شده است، بنه‌ها باز به زندگی خود ادامه داده‌اند، و یا بر عکس در مواردی با وجود ابقای عوامل یاد شده، بنه‌ها از میان رفته‌اند.

برای نمونه اگر دلیل پیدایش بنه را ناتوانی خانواده روستائی در خرید نیروی شخم (گاو، گاو، و گاوکار، و رزاق) بدانیم که توسط پطروشفسکی عنوان گردیده، خواهیم دید که این عامل در مناطق مختلف ایران و گاه حتی در یک منطقه واحد به شکلهای گوناگونی وارد بنه می‌گردد.

۱. داودی و طالبی، علیرضا، پایان نامه تحصیلی، بهمن ماه ۱۳۵۸، دانشکده ادبیات مشهد، به راهنمایی دکتر سیروس سهامی.

در برخی بنه‌ها هر عضو دارای یک رأس گاوکار است. مانند برخی «یازوها» (بنه‌های همترازانه) در دهستان سرولایت نیشاپور،<sup>۱</sup> و برخی بنه‌ها در جنوب تهران مانند بنه‌های روستای «اراد» فشاپویه<sup>۲</sup> و برخی هراسه‌های بردسیر کرمان<sup>۳</sup> و صحراها (بنه‌های تربیت جام).<sup>۴</sup>

در برخی بنه‌ها «سربنه» (زعیم) دارای یک جفت گاو بوده، در حالی که چند عضو دیگر فاقد آن بودند، مانند «هراسه‌ها» (بنه‌های ناهمترازانه) در روستاهای حاجی آباد بندرعباس همچون روستای «جائین».<sup>۵</sup> و گاه سربنه دارای دو جفت (دوبند) گاوکار و تعداد زیادتری الاغ بود، مانند «هراسه»های جلگه نوق رفسنجان.<sup>۶</sup>

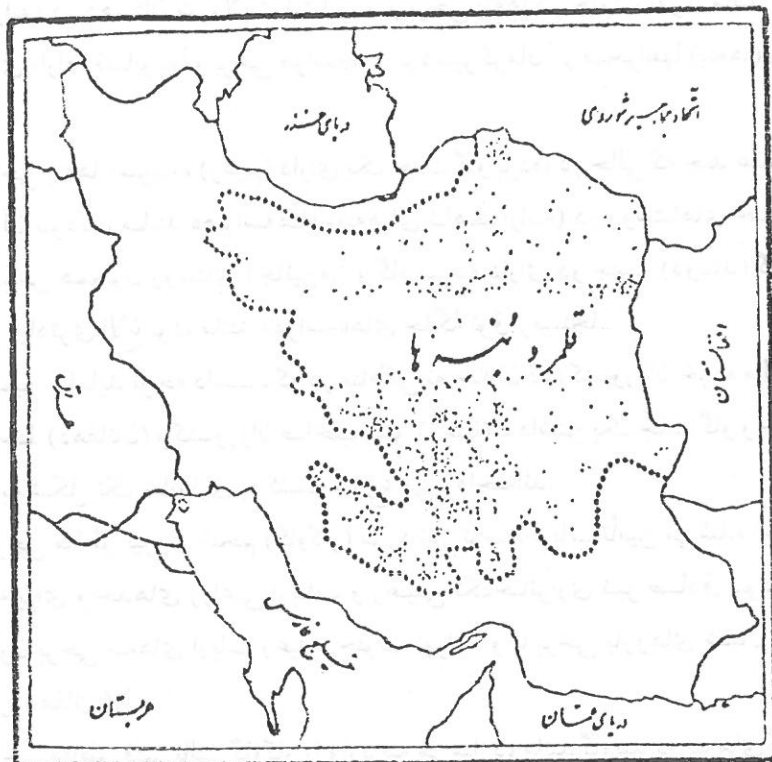
در همین جا باید توجه داشت، که در مناطقی نه چندان کم، کشاورزان خرده مالک جزء و متوسط (دهقانان) و کشاورزان صاحب نسق (رعایا) با داشتن یک جفت گاو و حتی یک رأس به شکل تک خانواری به کشت و زرع می‌پرداخته‌اند.

در برخی مناطق نیروی شخم (گاوکار) مورد نیاز توسط ارباب تأمین می‌شده است. این مسئله برای واحدهای زراعی ارباب و رعیتی تک‌خانواری نیز صادق بوده است، همچون برخی بنه‌های ارباب رعیتی جنوب تهران<sup>۷</sup> و یا برخی یازوهای شمال خراسان (بنداروددهقانی).<sup>۸</sup>

در برخی مناطق قشر ثالثی گاوکار را وارد بنه می‌سازد، مانند گاو‌بند در بنه‌های گاو‌بندی جنوب تهران<sup>۹</sup> و یا قشر «گودار» در «پاگاو»های سیستان<sup>۱۰</sup> که احیاناً همین «پاگاوها» پایه

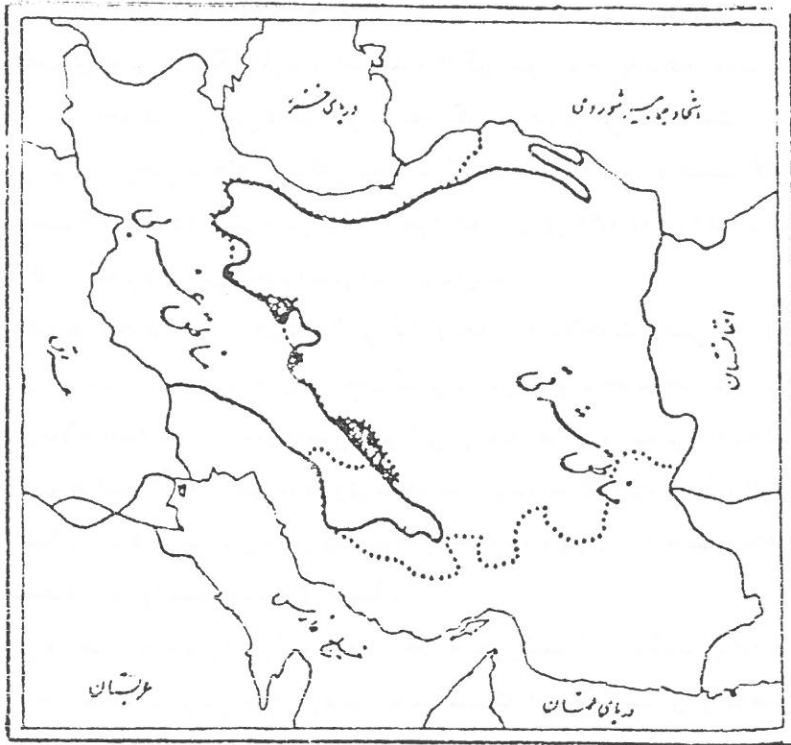
۱. نگاه کنید به: محمد حسین پاپلی یزدی و جلیل حسن‌پور رضوی، پیشین، ص ۳۹۶.
۲. جواد صفی‌نژاد، بنه، ص ۲۵۸ و صص ۱۰۵ و ۱۰۶.
۳. جواد صفی‌نژاد، همان، ص ۲۵۸ و صص ۱۰۵ و ۱۰۶.
۴. جواد صفی‌نژاد، همان، ص ۲۵۸ و صص ۱۰۵ و ۱۰۶.
۵. برپایه کار میدانی نگارنده.
۶. برپایه کار میدانی نگارنده.
۷. نگاه کنید به: جواد صفی‌نژاد، بنه، صص ۷۰ و ۱۰.
۸. نگاه کنید به: محمد حسین بابلی یزدی و جلیل حسن‌پور رضوی، پیشین، ص ۴۰۰.
۹. جواد صفی‌نژاد، بنه، ص ۷۰.
۱۰. حسن ضیاء توانا، پیشین، ص ۳۳۲.

نقشه شماره ۱ - قلمرو بنه‌ها، بر اساس تحقیق آقای صفی‌نژاد\*



\* جواد صفی‌نژاد، مبانی جغرافیای انسانی، ص ۲۹۴.

نقشه شماره ۲ انطباق خط همباران و مرز بنه‌ها و بخشهای استثنایی بر اساس تحقیق آقای صفی‌نژاد\*



\* جواد صفی‌نژاد، همان، ص ۲۹۵.

اصلی اظهار نظر پطروشفسکی درباره پیدایش بینه‌ها بوده است.<sup>۱</sup> جالب اینکه در همین سیستان غیر از اشکال تولید گروهی (پاگاو)، نوع بسیار محدودی از بهره‌برداری زمین به گونه فردی به نام «گلگیر» نیز وجود داشته که بهره‌برداری از آن به وسیله اعضای خانواده گلگیرکار و یا استخدام کارگر صورت می‌پذیرفته است.<sup>۲</sup> نیروی شخم در این واحدهای زراعی فردی نیز توسط «گودار» تأمین می‌شده است.<sup>۳</sup>

زیاده بر این در برخی بینه‌های دیمکار شخم با الاغ انجام می‌گرفته<sup>۴</sup> و قیمت الاغ اغلب نصف قیمت گاو نر بوده است و در ضمن وجود همیاری در «گاو به گاو» می‌توانسته و برطرف کردن کمبود نیروی شخم بسیار مؤثر بوده باشد.<sup>۵</sup>

به این تفاوتها وجود بینه‌های خرده مالکی قبل و بعد از اصلاحات ارضی را با وضعیت اقتصادی مناسب و برخی بینه‌های در حال گسترش در جنوب خط خرما را با بازده اقتصادی بالا و استفاده از نیروی ماشین و تراکتور را باید افزود. و مهمتر از همه اینکه در برخی از بینه‌ها اصولاً<sup>۶</sup> به دلایلی به نیروی شخم نیاز نبوده است مانند بینه (لردکاری)های سابق «اشکذر» یزد<sup>۷</sup> و بینه‌های «خار وابسته» در «خوار» و «توران» بیارحمینه شاهرود<sup>۸</sup> و برخی بینه‌های خار وابسته روت‌های سمنان.<sup>۹</sup>

همچنین در مورد «دشواری آبیاری» که در نظریه پطروشفسکی انعکاس یافته و سپس توسط برخی محققان ایرانی تکرار گردیده، باید گفت که اصولاً بسیاری از بینه‌های ایران

۱. نگاه کنید به: پطروشفسکی، پیشین، ص ۵۴۹.

۲. حسن ضیاء، توانا، پیشین، ص ۳۲۹.

۳. همان، ص ۳۳۲.

۴. هوشنگ ساعدلو، اقتصاد کشاورزی، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۴۷، (پلی کپی) صص ۸۴ و ۸۵.

۵. درباره «گاو بد گاو» (همگاو) نگاه کنید به: مرتضی فرهادی، «فرهنگ یاری در کشتکاری»، ماهنامه جهاد، شماره ۸۳ (بهمن ۱۳۶۴)، صص ۳۷ و ۴۳.

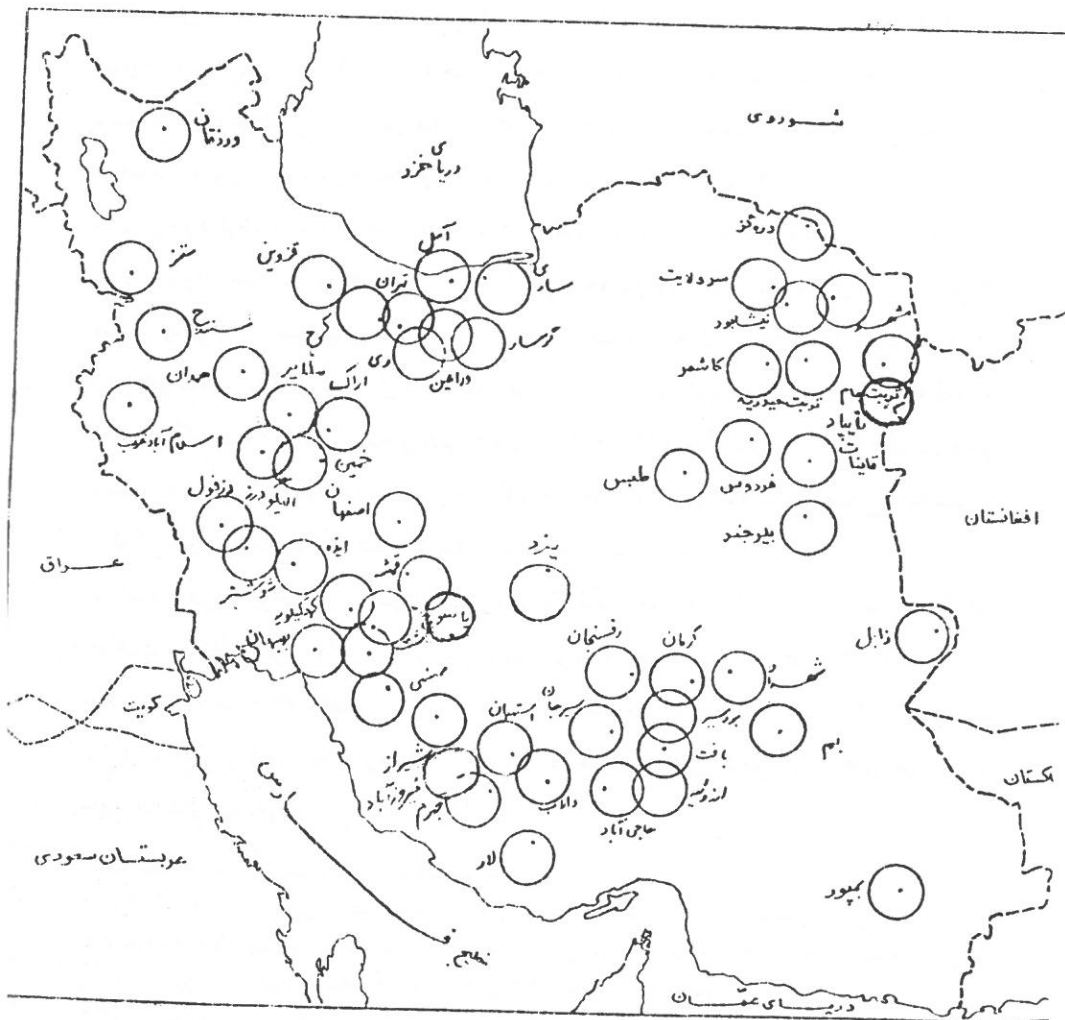
۶. مندم (مصاحبه نگارنده در محل)، برگه ۲۵۱۲.

۷. منجم (مصاحبه نگارنده با مهاجرین و مسافرین)، برگه ۲۱۳۵.

۸. علی آقا نوبی اسدی، «کشت انگلی و کوزه‌ای در روستاهای حاشیه کویر»، کدبن (کار دانشجویی با نظارت نگارنده)، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۶۸.



نقشه شماره ۳- قلمرو بنه‌ها بر پایه گزارشهای موجود تا نیمه دوم سال ۱۳۷۱.



دیمکار بوده<sup>۱</sup> و یا در آبیاری با دشواری چندانی رو به رو نبوده‌اند، و در برابر در روستاهای زیادی با مشکلات فراوان آبیاری، آب‌رسانی و آبیاری مانند «فاویان» گلپایگان،<sup>۲</sup> «نیمور» و «باقرآباد» محلات،<sup>۳</sup> حداقل در پیش از اصلاحات ارضی فاقد بینه بوده‌اند. و یا اگر کمی میزان بارندگی را دلیل پیدایش بینه بدانیم، می‌بینیم انواع بینه‌ها چه در مناطق پرباران غرب و شمال و چه در مناطق با میزان بارندگی کمتر از ۳۰۰ میلیمتر در سال، وجود داشته‌اند، همچون بینه دیمکار همترازانه در روستاهای ساری با حدود ۸۰۰ میلیمتر باران سالیانه<sup>۴</sup> و بینه‌های برنج‌کار («گوشته، گاوشته») در روستاهای آمل و بابل.<sup>۵</sup> ضمناً با توجه به شکلهای ساده شده و تحلیل رفته و اشکال میانین و حد وسط «بینه» که هنوز نیز بقایای آن در بسیاری از مناطق ایران به چشم می‌خورد، نشان می‌دهد که قلمرو بینه‌ها در گذشته وسیعتر بوده و هم اکنون نیز آنچه تا به حال گمان می‌رفته گسترده‌تر است، به عبارت دیگر با گذشت زمان قلمرو بینه‌ها کوچکتر شده، در حالی که میزان بارندگی در این مدت اگر کمتر نشده باشد، بیشتر نشده است.

در ضمن گرچه برخی از مناطق ایران از نظر بارندگی جزو مناطق خشک بشمار می‌آیند، اما همین مناطق جزو مناطق پر آب ایران محسوب می‌شوند، مانند خوزستان و فارس؛ و جالب اینکه بر خلاف تصورات قبلی در این دو منطقه همچون مناطق پرباران و پر آب ساری و آمل و بابل تعداد زیادی از انواع بینه، اعم از بینه‌های کامل<sup>۶</sup> و بینه‌های میانین<sup>۷</sup> و حتی بینه‌های برنجکار<sup>۸</sup> گزارش شده است.

۱. هوشنگ ساعدلو، پیشین، صص ۸۴، ۸۵، ۹۳ و پاپلی یزدی و حسن پوررضوی، پیشین، صص ۳۷۹ و ۳۸۰.
۲. درباره نحوه لایروبی سنتی در «فاویان» نگاه کنید به: مرتضی فرهادی، «باریگریها و خودداریهای سنتی در زمیند آب و آبیاری در ایران»، ماهنامه زیتون، شماره ۴۴ (اسفند ۱۳۶۳)، صص ۴۱ و ۵۹.
۳. نگاه کنید به: مرتضی فرهادی، «جوی‌روبی و بیل‌گردانی در نیمه‌ور محلات»، نامه فرهنگ ایران، دفتر یکم (۱۳۶۴)، بنیاد نیشابور.
۴. پاپلی یزدی و حسن پور رضوی، پیشین.
۵. ناصرالدین ظاهری، «گاوشته» در مناطق دشت سر آمل و در روستای «رشکلا»، کدبن، ۱۳۶۷ (دست‌نوشته).
۶. لمبتون، مالک و زارع در ایران، ص ۶۴۴.
۷. نگاه کنید به: «بن‌کو» در: سیروس سلمان‌زاده، «نوآوری در نظام کشاورزی سنتی شمال خوزستان»، مجله علمی کشاورزی، شماره ۴ (آبان ماه ۱۳۵۶).
۸. غلامحسین صالحی، منوگرافی ده «چم ریحان» ایذه. پایان‌نامه لیسانس، ۱۳۵۱، دانشکده علوم

آنچه تا به حال در رد دلایل بنه‌شناسان درباره چگونگی پیدایش بنه گفته شد، در مورد نظریه پیدایش بنه به خاطر وجود نظام بزرگ مالکی و شش‌دانگی بودن (تک مالکی) بودن برخی روستاها نیز صادق است، و می‌توان گفت که مالکیت و مدیریت ناشی از آن که به شکل‌های گوناگون اعمال می‌شده است در برخی مناطق می‌توانسته سبب تقویت و تداوم بنه‌ها و یا تضعیف و فرسایش آنها گردد و نه پیدایش آنها.

آنان که تنها اصلاحات ارضی را سبب نابودی بنه‌ها و در نتیجه پیدایش بنه‌ها را به خاطر نظام بزرگ مالکی می‌دانند از این واقعیتها غافل بوده‌اند که:

اولاً، وجود بنه‌های میانین و آثار بنه‌های متلاشی‌شده پیش از اصلاحات ارضی نشان می‌دهد که از دهه‌ها و حتی سده‌های پیش و به دلایل گوناگون به تدریج از شدت و وسعت قلمرو بنه‌ها کاسته شده است، و اصلاحات ارضی ضربه آخر و نقطه عطفی در این تلاشی بوده است.

ثانیاً، برخی از عواملی که در تلاشی بنه‌ها مؤثر بوده‌اند، همانهایی هستند که اصولاً شرایط و زمینه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اصلاحات ارضی را چه در سطح جهانی و چه در ایران فراهم ساخته‌اند.

ثالثاً، وجود بنه‌های خرده‌مالکی چه قبل از اصلاحات ارضی<sup>۱</sup> و چه بعد از آن<sup>۲</sup> و رشد بنه‌های «مهاجرکار» و «صیفی‌کار» در جنوب خط خرما<sup>۳</sup> نشان می‌دهد که دلایل فرسایش و تداوم و گسترش بنه‌ها، به تبیین دقیقتر و سبب‌جویی همه‌جانبه‌تری نیازمند است. به طور فشرده می‌توان گفت:

اولاً، عوامل پیدایش بنه با عوامل تداوم آن متفاوت است. عوامل پیدایش بنه همچنان که برخی بنه‌شناسان اشاره کرده‌اند<sup>۴</sup> به مسائل تاریخی و به ویژه ماقبل تاریخی زندگی بشر و

اجتماعی دانشگاه تهران.

۱. مرتضی زارعی، بررسی وضع بنه در روستای ولیان، پایان‌نامه لسانس، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ نگاه کنید به: صحراها (بندها)ی روستای «امغان» تربت جام در صفی‌نژاد، بنه، ص ۲۴۱.
۲. نگاه کنید به: صفی‌نژاد، بنه، عجمی، شش‌دانگی، صص ۶۱ و ۶۲، سیروس سلمان زاده، پیشین؛ پاپلی یزدی و حسن پور رضوی، پیشین، و خسرو خسروی، پیشین، صص ۸۶ و ۸۷ و ۹۲.
۳. نگاه کنید به: سیروس سلمان زاده، پیشین؛ و بر اساس کار میدانی نگارنده در «حاجی آباد» بندرعباس.
۴. نگاه کنید به: خسرو خسروی، پیشین، صص ۸۲؛ حسن ضیاء‌توانا، پیشین، صص ۳۲۸.

از آن جمله ایرانیان باز می‌گردند و دلایل خاص خود را دارد. ثانیاً، عوامل تداوم بنه‌گوناگون بوده و از مکانی به مکان دیگر و از زمانی به زمان دیگر فرق کرده و هر کجا که عامل و یا عواملی از گروه عوامل تداوم بنه حذف شده، عامل و یا عوامل دیگری جایگزین آن گردیده است.

ثانیاً، عوامل تداوم بخش نیز به درستی شناخته شده نیست و همه عوامل حتی در یک نوع و در یک منطقه به پژوهشهای بیشتری نیازمند است.

عجالتاً به نظر می‌رسد که به جز عامل قوی اما خاموش «سنت» (شیوه‌های قومی و عادات اجتماعی کهن) و پتانسیل فرهنگی حاصل از آن و عامل «ضرورت اقتصادی» که لفظ عامی است برای بسیاری از دلایل یاد شده بنه‌شناسان، که در هر کجا به شکلی خود را نشان می‌دهد، جایی به شکل نیاز به کار فشرده در یک زمان و یا زمانهای متعدد، مانند نیاز به نیروی انسانی فراوان و فشرده در بنه برنجکار (قراع، گاوشته، گوشته) و یا نیاز به نیروی فراوان گروه برای وجین علفهای هرز در بنه‌های دیمکار (همازی) در شمال ایران<sup>۱</sup> و یا به خاطر صرفه‌جویی در مصرف آب کشاورزی، و یا دشواریهای آبرسانی از منابع آبیاری تا کشتزار و یا دشواری آبیاری، و بالاخره کمبود نیروی شخم و یا دلایل کمتر پنهان و بیشتر آشکار اقتصادی دیگر، و عامل «مدیریت» که ممکن است از کانال مالکیت (اعم از مالکیت فردی و دسته جمعی) و یا از کانال سنت و یا هر دو اعمال گردد، باید به دنبال عوامل مجهول اجتماعی دیگری در تداوم بنه‌ها بود.

کار بر روی «تعاونیهای سنتی» در ایران بسیار نویاست، بی‌شک با تراکم کار در زمینه بنه‌ها، از یک سو، و سایر تعاونیهای سنتی همچون «واره» و «مال»، از سوی دیگر، و همچنین مطالعه بیشتر و سایر «یاریگریها» (خودیارها، همیارها و دگریارها) راه برای تحلیل دقیق‌تر و همه‌جانبه‌تر بنه‌ها هموار خواهد شد.<sup>۲</sup>

۱. پاپلی یزدی و حسن پور رضوی. پیشین، ص ۳۸۰.

۲. در پایان لازم است از اساتید بزرگوار و گرامی جنابان آقایان دکتر غلامعباس توسلی، دکتر منوچهر محسنی، دکتر حسن سرافی، و همچنین از استاد مرتضی امین‌فر و استاد جواد صفی‌نژاد که هر یک به شکلی در این کار مشوق و راهنمای من بوده‌اند سپاسگزاری کنم. نام دیگر عزیزانی که حقوقی بر گردن این مقاله دارند در کتاب «واره» خواهد آمد.